

وضعیت فرش ایران در عصر ایلخانان مغول

دکتر زهره اسعدی^۱

ناصر معماری^۲

چکیده

هنر و صنعت فرش در ایران سابقه‌ای چند هزار ساله دارد. هنرمندان ایرانی با ذوق و شور به کار قالی‌بافی و فرش مشغول بودند و باعث رونق آن شدند. پس از حمله مغول به ایران این صنعت دچار رکود شد و بسیاری از هنرمندان به نقاط دیگر رفتند و به کار خود ادامه دادند.

پس از استقرار حکومت ایلخانی مغول، این حکام با استفاده از ایرانیان به بهبود وضعیت ایران پرداختند و بسیاری از ویرانی‌ها را آباد کردند. به خصوص، در امر اقتصاد (تجارت و کشاورزی) و فرهنگ اقدامات مؤثری انجام دادند. به طور حتم هنر و صنعت فرش نیز مانند بسیاری از هنرها و صنایع مورد توجه قرار گرفت. متأسفانه نمونه‌ای از فرش ایران دوره ایلخانی باقی نمانده است و فقط می‌توان آن را در آثاری مانند نقاشی و کتاب‌ها ملاحظه کرد. اما این امر دلیل بر نابودی کامل و یا عدم وجود این صنعت در دوره ایلخانان نیست؛ زیرا صنعت فرش به تحول و تکامل خود ادامه داد و در دوره صفویه به اوج پیشرفت رسید. بنابراین، در این مقاله سعی شده است با روش توصیفی - تحلیلی و تاریخی و بهره‌گیری از منابع موجود وضعیت فرش در دوره ایلخانان بررسی گردد.

واژگان کلیدی: فرش، ایلخانان، هنر، صنعت، ایران

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

۲. کارشناس پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

۱. مقدمه

هیچ مطالعه‌ای درباره‌ی فرش ایران رسا نخواهد بود مگر این که قبلاً وسعت جغرافیایی آن را مورد توجه قرار داد و سپس مختصات ایران را به آن افزود؛ چه از لحاظ تولید و چه از لحاظ مصرف، کم‌تر رشته‌ای از اقلام تولیدی جهان چنین وسعت جغرافیایی را اشغال کرده است. صنعت فرش و بافتن قالی (فرش گره خورده‌ی پرزدار) از سابقه‌ای طولانی در ایران برخوردار است. با توجه به آن که زنان و کودکان عشایر با استفاده از پشم گله‌ها و رنگ‌های طبیعی برای نیاز قبیله قالی می‌بافتند، بنابراین آریایی‌ها که ابتدا چادرنشین بودند، این هنر را پس از یکجانشینی گسترش دادند و با ذوق و سلیقه‌ی خود طرح‌ها و نقش‌های مختلفی را با توجه به آداب و رسوم و اعتقادات خود به‌وجود آوردند (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۳۲)؛ به طوری که بسیاری از محققین در نوشته‌های خود آن را جزو یکی از کالاهای صادراتی نام برده‌اند. طبق گفته‌ی پیرنیا، مقبره‌ی کورش با قالی‌های گران‌بها پوشانده شده بود. وی به نقل از گزنفون می‌نویسد: پارس‌ها (هخامنشیان) باید بر بسترهای نرم بخوابند و پایه‌های تخت خواب آن‌ها بر قالی قرار گیرد تا مقاومت کف اتاق نرم‌تر حس شود (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۱۵۴۰ و ۲/۱۵۶۴). نمونه‌ی فرش دوره‌ی هخامنشی در سال ۱۹۴۹ میلادی در منطقه‌ای به نام پازیریک در جنوب سیبری به وسیله‌ی باستان‌شناس روس به نام رودنکو کشف شد. فرش پازیریک در مقبره‌ی شاهان سکایی در این منطقه به دست آمد. طرح‌های روی این فرش، آشوری و هم‌چنین پارسی است، مانند سواران پارسی با لباس‌های کوتاه و شلوار تنگ در کنار، اسبان که در تخت جمشید نیز از این طرح‌ها استفاده شده است. رنگ‌های به کار رفته در این فرش، قرمز سیر، آبی، سبز، زرد کم رنگ و نارنجی است (آذریاد و حشمتی رضوی، ۱۳۷۲: ۱۲).

فرش ایران در دوره‌ی سلوکی به نقاط دیگر، از جمله یونان و غرب، صادر می‌شد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۷۹). در دوره‌ی اشکانی نیز قالیچه‌های ایران از رنگ‌های مختلف و به قیمت‌های گزاف زینت قصور روم بود (پیرنیا، همان: ۳/۲۶۹۷). در زمان ساسانیان نیز، با توجه به سال‌نامه‌های چینی، قالی از جمله فراورده‌های ایران برای صادرات به آن کشور شمرده شده است. هم‌چنین منابع رومی، از قالی‌های نرم ایران که جزو اشیاء غارت شده

توسط سربازان رومی در جنگ «هراکلیوس» امپراتور روم شرقی با خسرو پرویز (اوایل قرن هفتم میلادی) بوده، نام برده‌اند. در طاق بستان بر سنگ‌نگاره‌ها نمونه‌ای از قالیچه بر بالای یکی از قالیچه‌ها دیده می‌شود (خزایی، ۱۳۸۱: ۱۱). طبری از قالی بهارخسرو، که محققان معتقد هستند همان قالی بهارستان است، یاد می‌کند و می‌گوید: این فرش در دوره خسروانوشیروان بافته شده و تا زمان یزدگرد سوم در قصر مدائن برای برگزاری بعضی از جشن‌ها از آن استفاده می‌گردید (طبری، ۱۳۶۸: ۵/۱۸۲۴). این قالی در حمله اعراب مسلمان به ایران به دست آن‌ها افتاد و طبق گفته مورخین قطعه قطعه شد تا بین سربازان به عنوان غنیمت جنگی تقسیم شود (همان: ۱۸۲۵/۵؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/۶۷۴).

به این ترتیب، هنر فرش‌بافی در ایران، طبق گفته مورخین و جغرافیا نویسان به قرن‌ها قبل باز می‌گردد که نشان از قدمت این صنعت و هنر در ایران دارد. با وجود این اسناد، محققان تا زمانی که فرش پازیریک به وسیله رودنکو باستان شناس روسی به دست نیامده بود، معتقد بودند که فرش ایران قدمت چندانی تا زمان صفویه نداشته است. در حالی که با کشف این فرش می‌توان گفته مورخین را تأیید کرد و قدمت فرش ایران را به چند هزار سال رسانید.

پس از اسلام نیز نمونه‌ای از فرش و قالی ایران تا قرن نهم هجری قمری به جای نمانده است و می‌توان فقط به گفته شعرا، سیاحان، مورخان و جغرافی‌نویسان در این زمینه بسنده کرد. در سال ۱۴۸ه.ق، پس از آن که اعراب مسلمان موفق به فتح طبرستان شدند، حکام این منطقه را مجبور به پرداخت یک درهم طلا برای هر یک از سکنه و سیصد هزار درهم نقره سفید و سیصد عدل فرش‌های ابریشمی سبز و سوزنی و به همان مقدار پنبه کردند (اشپولر، ۱۳۷۳: ۳۵۵).

در موزه هنرهای سان فرانسیسکو یک قطعه کامل از قالیچه کوچکی وجود دارد که نقشه متن آن شیر بزرگ هندسی می‌باشد و حاشیه را ساقه‌های پیچان مو و گل‌های نیلوفر آبی پر کرده است. تاریخ بافت این فرش را در حدود قرن‌های دوم و سوم هجری قمری تخمین زده‌اند. طرح آن با بعضی از شکل‌های شمال شرق ایران هم‌خوانی دارد که نمونه‌های بسیاری از منسوجات ابریشمی آن دوران با این طرح بافته شده است (اشمیتز، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۸).

به گفته مؤلف کتاب *حدودالعالم من المشرق الى المغرب*، در نقاط مختلف ایران، از جمله فارس، بخارا، آذربایجان و طبرستان و غیره، قالی بافته می‌شده است (گم‌نام، ۱۳۶۲: ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۵۰). در *تاریخ بیهقی*، چندین بار از فرش به عنوان هدیه نام برده شده است، از جمله هدایایی که علی بن عیسی از خراسان برای هارون الرشید فرستاده است، از دویت خانه قالی و هم‌چنین محضوری (بافته‌هایی مانند زیلو و قتیفه) نام برده شده است (بیهقی، ۱۳۷۳: ۱/۲۴۰ و ۲/۶۴۳). به نقل از قاضی رشیدالدین بن الزبیر در کتاب *الدخائن و التحف*، در صورت اموال و اثار کاخ‌های هارون الرشید چند هزار تخته قالی و قالیچه وجود داشت که فقط هزار قالی بافت دارابجرد بوده است (فقیه، ۱۳۵۷: ۶۴۲). علاوه بر آن که ناصر خسرو در *سفرنامه* خود از فرش‌های مناطق مختلف ایران نام می‌برد (ناصرخسرو، ۱۳۵۶: ۲۴، ۶۱ و ۹۸).

دلیل پیشرفت و ترقی صنعت قالی‌بافی در ایران، توجه و تشویق پادشاهان و امراء و رجال و دادن پاداش کافی برای بافتن بهترین قالی‌ها و فرش‌ها و گذاشتن بهترین مصالح و مواد در اختیار ماهرترین استادان قالی‌باف بوده است. تا آن که ایران در اوایل قرن هفتم هجری قمری از سوی چنگیزخان مغول مورد حمله قرار گرفت و تصرف شد. حکومت ایلخانان تا اواسط قرن هشتم هجری قمری در ایران ادامه یافت و فرش بافی مانند تمام هنرها و صنایع در این دوران فراز و نشیب‌های بسیاری طی کرد. در مباحث بعدی سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که آیا در دوران حکومت مغولان و ایلخانان بر ایران، صنعت فرش به طور کامل از بین رفت، یا آن که این هنر و صنعت نیز، مانند بسیاری از هنرها و صنایع، تحت حمایت ایلخانان و حکام و بزرگان ایرانی قرار گرفت و باقی ماند. قبل از آن که به موضوع اصلی بحث پرداخته شود، به دلیل آن که هنرها و صنایع تحت تأثیر شرایط سیاسی قرار دارند، لازم است در بخش بعدی به طور مختصر وضعیت سیاسی ایران در زمان ایلخانان بیان می‌شود.

۲. وضعیت ایران در دوره ایلخانان

در سال ۶۱۶ ه.ق سپاهیان مغول به رهبری چنگیز وارد مرزهای ایران شدند. مورخین و محققین علل بسیاری برای حمله چنگیز به ایران بیان کرده‌اند. می‌توان یکی از آن‌ها را علت اقتصادی و به منظور به دست گرفتن تجارت غرب و شرق بیان کرد. مغول‌ها طی سه مرحله به ایران حمله کردند که در مرحله نخست، شدت تخریب و کشتار در شهرهای خراسان و آذربایجان و به طور کلی نقاطی که اطاعت از خان بزرگ را نپذیرفتند، بیش‌تر از سایر مناطق بود. به دستور چنگیز، اگر شهری مقاومت می‌کرد، ویران می‌شد و صنعت‌گران و هنرمندان به قراقروم پایتخت مغولستان تبعید می‌شدند تا از هنر آن‌ها در توسعه فرهنگ و تمدن آن منطقه استفاده شود و بقیه مردم به قتل می‌رسیدند.

به این ترتیب، بسیاری از هنرمندان و صنعت‌گران یا تبعید شدند و یا به نقاط دیگر که امن‌تر بود کوچ کردند؛ از جمله به ایالات فارس، خوزستان، یزد ... و خارج از کشور. پس از چنگیز، فرزندان وی قدرت را به دست گرفتند. در ایران نوادگان وی حدود هشتاد سال حکومت کردند که به نام ایلخانان ایران (تابع‌خان) معروف شدند. در این دوره ایرانیان در نقاط مختلف به کمک ایلخانان، به آباد کردن شهرها و مناطقی که به دست مغولان تخریب شده بود، پرداختند. از جمله کسانی که در این امر پیش قدم بودند، خاندان جوینی، خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی را می‌توان نام برد. در شهرهایی مانند مراغه، تبریز و بغداد، هنرمندان، صنعت‌گران و دانشمندان با حمایت ایلخانان جمع شدند تا ایران را از نو بسازند (شیرازی، ۱۳۳۸: ۱/۷۷؛ جوینی، ۱۳۷۵: ۱/۳۹؛ همدانی، ۱۳۳۸: ۳/۶۶). در دوره یکی از ایلخانان مسلمان در ایران، غازان خان، به علم و ادب، صنعت و هنر توجه زیادی شد که در این راستا صنعت فرش نیز مورد توجه و حمایت ایلخان بزرگ قرار گرفت.

۳. وضعیت فرهنگ و هنر ایران در دوره ایلخانان

زمانی که هولاکو موفق به فتح کامل ایران و تصرف بغداد شد، شهر مراغه را به عنوان پایتخت خود برگزید و از بزرگان ایرانی، مانند شمس‌الدین محمد جوینی، برادرش عظاملک

و خواجه نصیرالدین طوسی، در امر حکومت استفاده کرد این مردان بزرگ بلافاصله و با حمایت ایلخان مغول شروع به بازسازی ایران از نظر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کردند. بسیاری از دانشمندان، هنرمندان و صنعت‌گران به پایتخت و شهرهای دیگر وارد شدند و باعث شکوفایی هنر و فرهنگ گشتند.

در دوران جانشینان وی نیز این روند ادامه یافت و با آن که ایلخانان ایران از نظر سیاسی و مناسبات خارجی مشکلات بسیاری به خصوص با ممالیک در مصر و شام و سایر مغول‌ها در شمال، شمال شرقی و شرق ایران داشتند، اما به دلیل نفوذ بزرگان ایرانی، آن‌ها به هنر و فرهنگ ایران نیز توجه ویژه‌ای نشان دادند (حشمتی رضوی، ۱۳۸۷: ۱۶۵). از جمله می‌توان به غازان‌خان، سلطان محمد خدابنده و ابوسعید اشاره کرد.

ایلخانان به علوم مختلف از جمله نجوم، ریاضی، موسیقی، تاریخ و پزشکی علاقه بسیاری داشتند. ساختن رصدخانه مراغه به فرمان هولاکو و نوشته شدن کتاب‌های تاریخی به وسیله بزرگان در راستای علاقه آن‌ها بود. به دلیل روابط حسنه‌ای که بین ایلخانان ایران و چین برقرار بود، بسیاری از هنرها تحت تأثیر هنر چین قرار گرفت. محققان بر این عقیده‌اند که ایلخانان باعث تأثیر هنر شرق دور بر ایران شدند (کونل، ۱۳۶۸: ۹۵)، در حالی که روابط فرهنگی ایران و چین قرن‌های متمادی (از طریق تجارت) قبل از ایلخانان برقرار بود.

معماری و هنرهای وابسته به آن، نظیر کاشی‌کاری و گچ‌بری در این دوره رشد قابل توجهی داشت. از نمونه‌های معماری دوره ایلخانان می‌توان به رصدخانه مراغه، شنب غازانی، ربع رشیدی، گنبد سلطانیه و مساجد و کاروان‌سراها اشاره کرد. البته، بسیاری از آن‌ها با کمی اختلاف به سبک پیش از خود ساخته شدند. به عنوان مثال، در مدرسه‌ها به جای شبستان، در یک یا دو طبقه حجره‌هایی به منظور سکونت طلاب داشتند. بیش‌تر مقبره‌های دوره ایلخانی نیز به سبک دوره سلجوقی بنا شده‌اند. بافندگی نیز در این دوران رواج بسیاری داشت، از جمله منسوجات ابریشمی و نخی که در کارخانه‌های اصفهان، شیراز، تبریز و غیره تهیه می‌شد. به دلیل استفاده از فرش و قالی توسط حکمرانان و مردم، این هنر و صنعت نیز مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از نقاشان به کار طراحی نقشه قالی و فرش مشغول بودند. در واقع، باید گفت، استادان طراح و نقاش، علاوه بر کار بر روی پارچه، فرش و قالی، استاد

مذهب نیز بوده‌اند. می‌توان نمونه‌های قالی و فرش این دوره را در نقاشی‌ها و مینیاتورها ملاحظه کرد (ج. کریستی، بی‌تا: ۱۷۴).

۴. فرش‌های دوره ایلخانی

درخصوص فرش‌های دوره ایلخانی، به این دلیل که آثاری از آن‌ها باقی نمانده است، اطلاعات کمی وجود دارد. اما با بررسی منابع، کتب ادبی، تاریخی، جغرافیایی و آثار نقاشی، می‌توان اطلاعات اندکی به دست آورد. در دوره ایلخانان، آذربایجان بزرگ‌ترین مرکز فرهنگی و سیاسی ایران گردید. به همین سبب نیز بسیاری از هنرمندان و صنعت‌گران به این منطقه آمدند تا از امکانات موجود در پایتخت استفاده کنند. از میان این هنرمندان می‌توان به قالی‌بافان اشاره کرد که در سایه حمایت و توجه بزرگان به کار خود ادامه دادند. فرش و قالی ایران از طریق این منطقه به غرب وارد می‌شد. حتی این کالا از طریق بنادر خلیج فارس به هندوستان حمل می‌گردید (طالب پور، ۱۳۸۶: ۱۱۶). شهر موصل نیز، به دلیل آن که در مسیر بغداد و تبریز (دو مرکز حکومت ایلخانان) قرار داشت، مکان مناسبی برای تجارت و خرید و فروش قالی‌های ایرانی بود (مجبایی، ۱۳۸۱: ۱۶). خواجه رشیدالدین همدانی در کتاب خود از فرش نام می‌برد و بیان می‌کند که غازان خان دستور داد برای شنب غازانی و مساجد، موقوفاتی در نظر گیرند که یکی از کالاهایی که برای این عمارت بزرگ و مساجد وقف شد، قالی بود (همدانی، ۱۳۶۲: ۹۹۸-۹۹۹/۲).

یاقوت حموی، جغرافیانویس مشهور قرن هفتم ه.ق، در کتاب خود *معجم البلدان* از فرش آذربایجان نام برده است (حموی، ۱۴۱۰: ۲۹۴)، هرچند که بسیاری از محققان این گفته وی را تأیید نکرده‌اند، ولی نمی‌توان دلیلی نیز برای رد آن آورد؛ زیرا این جغرافیادان عرب به مناطق مختلفی سفر کرده و بر اساس دیده‌ها، شنیده‌ها و کتاب‌های دیگر جغرافیایی، درخصوص وضعیت جغرافیایی، کشاورزی، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر منطقه سخن گفته است. کتاب وی در دوره‌های بعد نیز مورد استفاده بسیاری از مورخان و جغرافیانویسان قرار گرفت.

شاید دلیل عدم قبول سخنان حموی از سوی محققان آن است که غازان‌خان ایلخان بزرگ ایران دستور می‌داد آرامگاهش را در شنب‌غازانی با فرش‌های فارس مفروش کنند (ادواردز، ۱۳۶۸: ۴). به نظر این محققان، اگر در آذربایجان فرش بافته می‌شد، پس دلیلی برای استفاده از فرش منطقه دیگر نبوده است. اما می‌توان استدلال کرد که تمایل به استفاده از فرش فارس، به دلیل کیفیت بسیار مناسب و استفاده از رنگ‌های روشن این فرش‌ها، در مقایسه با فرش‌های تبریز، بوده و این امر دلیل بر عدم وجود این صنعت در تبریز محسوب نمی‌گردد؛ زیرا فارس از حملات مغول در امان ماند و هنرمندان فارس توانستند در سایه آرامش، هنر خود را قوت بخشند. در ضمن، فرش‌های تبریز و آذربایجان نسبت به سایر مناطق دارای رنگ‌های تند و تیره و نقوش آن بیش‌تر هندسی و شکسته بوده است (یساولی، ۱۳۷۵: ۱۷۹) و ایلخان می‌خواست با فرش‌هایی به مراتب زیباتر و گران‌بهرتر آرامگاه خود را مفروش کند.

سلجوقیان روم (آسیای صغیر) نیز، که پس از حمله مغولان به این منطقه تحت تابعیت ایلخانان ایران قرار گرفتند، از طریق تجار ونیزی با اروپا روابط تجاری داشته‌اند و یکی از کالاهایی که توسط آن‌ها به اروپا صادر می‌شد، فرش و قالی بوده است. قدیمی‌ترین فرش‌هایی که از سلجوقیان آسیای صغیر باقی مانده است، مربوط به قرن هفتم هجری قمری است، با نقوش هندسی، که اکنون در موزه اوقاف شهر استانبول نگهداری می‌شود. این فرش تنها نمونه‌ای است که از این قرن باقی مانده و با توجه به نوع بافت و طرح آن، می‌توان گفت کاملاً ایرانی است (حشمتی رضوی، همان: ۱۶۰). سعدی شیرازی که مقارن با حکومت ایلخانان زندگی می‌کرد و بسیار هم از سوی خاندان جوینی و ایلخان ایران مورد احترام بود، در یکی از اشعار خود واژه قالی را مورد استفاده قرار داده و آن را به عنوان یک شیء با ارزش معرفی کرده است:

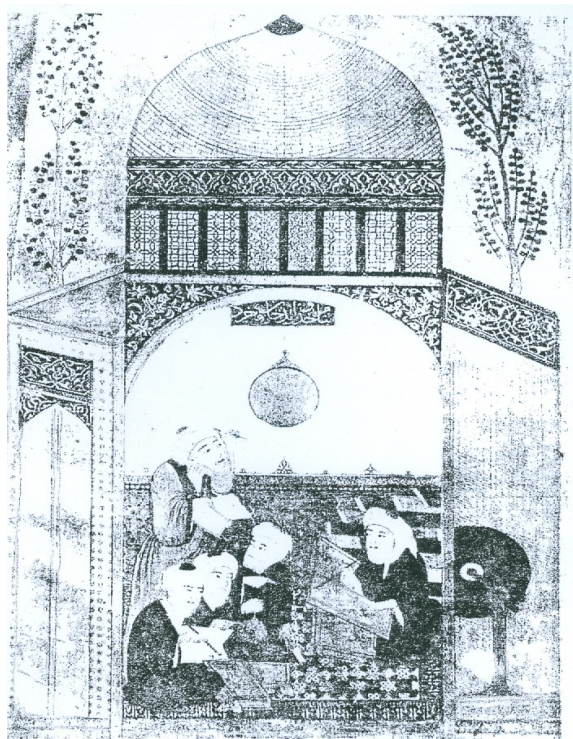
گر آزاده‌ای بر زمین خسب و بس مکن بهر قالی زمین بوس کس

علاوه بر آن، یکی دیگر از شعرای بزرگ به نام خاقانی شروانی در همان دوران از قالی مردنی (شهری در آذربایجان) سخن می‌گوید و شعری در خصوص آن سروده که گاهی نیز به عنوان مثل از آن یاد می‌کنند (سجادی، ۱۳۳۸: ۲۵۶):

چون مرا سندس است واستبراق شاید ار قالی مردنی نیست

پروفسور ویلهم میستر نیز معتقد است، ادبیات در مورد قالی‌های عظیم و گران‌بهایی که طی سلطنت حکام بعدی مغول وجود داشته است، خبر می‌دهند (اشنبرنر، ۱۳۷۴: مقدمه). ابن بطوطه در همین قرن (۷۰۳-۷۷۹ ه.ق) در سفرنامه خود از فرش سجاده‌ای سبز رنگی یاد می‌کند که حاکم ایذه، از توابع لرستان (در استان خوزستان)، روی آن نشسته است. سفر ابن بطوطه در دوم ماه رجب سال ۷۲۵ ه.ق بوده، که به قصد حج و دیدار از ایران انجام شده است. وی در این سفر از فرش‌هایی یاد می‌کند که داخل حرم امام رضا (ع) در مشهد دیده است. او می‌نویسد: «مشهد امام رضا قبه بزرگی دارد. روی قبر، ضریحی چوبی قرار دارد که سطح آن را با صفحات نقره پوشانیده‌اند. داخل بقعه با فرش‌های گوناگون مفروش گردیده است» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۸۸ و ۴۴۱).

علاوه بر تمام این موارد، در مینیاتورهای دوره ایلخانی نیز، گه‌گاهی فرش دیده می‌شود. برای نمونه، در مینیاتوری از شاهنامه کبیر که آن را به دوره ابوسعید (۷۱۳-۷۳۶ ه.ق/۱۳۱۷-۱۳۳۵ م) آخرین فرمان‌روای ایلخانی در ایران نسبت می‌دهند. دو قطعه کف پوش با ظاهری فرش گونه نقاشی شده است. در یکی از تصویرهای شاهنامه، یعنی تصویری که مربوط به برتخت نشستن ضحاک است، کف‌پوشی را می‌توان تشخیص داد که در آن بخشی از هشت ضلعی بزرگ با نقش حیوانی اژدها مانند در داخل آن دیده می‌شود (سیمز، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۳). هم‌چنین، طبق شکل ۱ که در کتاب روضة المنجمین در قرن نهم هجری قمری ارائه شده است، نقاشی‌ای وجود دارد که خواجه نصیرالدین طوسی را به همراه چند نفر دیگر، که روی فرش نشسته‌اند، در حال رصد کردن نشان می‌دهد.



شکل ۱. خواجه نصیرالدین طوسی و ستاره‌شناسان سرگرم رصد کردن با اسطرلاب و تنظیم زیج. در داخل رصدخانه تصویری از نسخه کتاب *روضه المنجمین*، مورخ سنه ۸۱۳ ه.ق، متعلق به کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۴۱۸ الف.

شکی نیست که ایران در بین سایر کشورهای دیگر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز قالی‌بافی شرق بوده و سایر مراکز در این فن از ایران تقلید کرده‌اند (فاخر، ۱۳۴۶: ۱۶). طرح‌های استفاده شده در فرش‌ها و قالی‌های آناتولی، همگی در مینیاتورهای ایرانی مربوط به قرن هفتم و هشتم هجری قمری وجود دارد. روش قالی‌بافی ایران در کشورهای دیگر به خصوص هندوستان و عثمانی (ترکیه امروزی) تأثیر مستقیم داشته؛ به طوری که در برخی از شهرهای عثمانی، مانند هرکه، طرح‌های کاشان و تبریز رواج داشته (حشمتی رضوی، همان: ۱۶۱). تأثیر قالی‌بافی ایران حتی در مصر و اسپانیا نیز مشاهده می‌شود، زیرا روش‌های ایران، یا از راه ترکیه و یا از راه شمال آفریقا، به وسیله اعراب در اسپانیا رواج پیدا کرده است (تاجبخش، همان: ۳۷۶).

زمانی که روم سلجوقی نیز به تصرف مغولان درآمد، بسیاری از هنرمندان و بافندگان از این منطقه کوچ کردند و به نواحی دورتر رفتند. در این دوره، قیام‌های بسیاری توسط مردان و زنانی که به قیام‌های بابایان (اخیان) و باجیان معروف است، صورت گرفت. زنان به حرفه بافندگی مشغول بودند و کارگاه‌های قالی‌بافی را اداره می‌کردند. در مناقب نامه اوحالدالدین کرمانی، آمده است که مریدان اوحالدالدین در قیصریه تولیدات قالی و پارچه خود را به استانبول و سایر بلاد مسیحی صادر می‌کردند. بدون شک، هنگامی که باجیان به همراه اخیان از آناتولی مرکزی به مناطق مرزی مهاجرت کردند، این هنر خود را بدان نواحی منتقل نمودند. با تشکیل حکومت محلی آل گرمیان در این مناطق مرزی، کالاهایی نظیر قالی، پارچه و کرباس خام در این نواحی تولید و صادر می‌شد (اوجاق، ۱۳۸۴: ۲۰۶).

Archive of SID

نتیجه‌گیری

ذوق و خلاقیت هنری هر جامعه‌ای، از جغرافیا، سنت‌ها و سوابق تاریخی آن قوم ریشه می‌گیرد. از جمله هنرهایی که در ایران به مرور زمان به کمال رسید، هنر قالی بافی و فرش است. با توجه به سابقه قالی‌بافی در اکثر مناطق ایران، باید گفت که این هنر و صنعت باقی ماند؛ و هرچند که در ابتدای حکومت مغول دچار رکود گردید، اما پس از آن که مغولان و ایلخانان با تشویق بزرگان ایرانی به امور فرهنگی و علمی و هم‌چنین به پیشرفت صنایع و هنرها اهمیت دادند، هنر و صنعت فرش و قالی نیز مورد توجه قرار گرفت؛ به خصوص که قالی و قالیچه بیش‌تر تزیینی بود و از آن‌ها بیش‌تر در مساجد و کاخ‌های حکام استفاده می‌شد. به همین دلیل، هنرمندان قالی باف تمام ذوق و خلاقیت خود را برای زیبا ساختن فرش و قالی به کار می‌بردند تا مورد توجه حکمرانان قرار گیرند. اگر صنعت فرش در دوران مغول و ایلخانان به کلی نابود شده بود، نمی‌توانست در دوره تیموری و صفوی به پیشرفت و ترقی برسد و یکی از کالاهای با ارزش ایران برای صادرات و زبان‌زد کشورهای دیگر شود. زیرا، هنر و صنعت به یکباره در یک دوران به وجود نمی‌آید و ترقی نمی‌کند. با توجه به این موضوع، ایلخانان که به تجارت اهمیت می‌دادند (فرش از دوران باستان یکی از دست‌بافته‌های ایرانیان بود و به عنوان کالایی با ارزش به کشورهای دیگر صادر می‌شد)، قالی‌بافی را توسعه دادند و هنرمندان این رشته از حمایت آنان و بزرگان ایرانی، برخوردار شدند و موجبات توسعه آن را در دوره بعد فراهم آوردند.

کتابنامه

۱. آذریاد، حسن، و فضل‌الله حشمتی رضوی. ۱۳۷۲، *فرشنامه ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲. ابن بطوطه، احمد بن ابراهیم لواتی طنجه‌ای. ۱۳۳۷، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمد علی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. ادواردز، سیسیل. ۱۳۶۸، *قالی ایران*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، فرهنگ سرا.
۴. اشپولر، برتولد. ۱۳۷۳، *تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی*، تهران، علمی و فرهنگی.

۵. اشمیتز، باربارا. ۱۳۸۴، «تاریخ و هنر فرش بافی در ایران»، *دایرة المعارف ایرانیکا*، زیر نظر احسان یار شاطر، ترجمه ر. لعلی خمسه، تهران، نیلوفر.
۶. اشنیرنر، اریک. ۱۳۷۴، *قالی‌ها و قالیچه‌های شهری و روستایی ایران*، ترجمه مهشید تولایی و محمدرضا نصیری، تهران، فرهنگسرا.
۷. اوجاق، یاشار، و میکائیل بایرام. ۱۳۸۴، *جنبش‌های عرفانی - سیاسی دوره سلجوقیان*، ترجمه محمدتقی امامی خویی، تهران، گواه.
۸. بیهقی، ابوالفضل. ۱۳۷۳، *تاریخ بیهقی*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، ج ۲، تهران، مهتاب.
۹. پیرنیا، حسن. ۱۳۶۹، *تاریخ ایران باستان*، ج ۲، تهران، دنیای کتاب.
۱۰. تاجبخش، احمد. ۱۳۸۱، *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه*، نوید شیراز.
۱۱. ج. کریستی، ویلسن. (بی‌تا)، *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران، فرهنگسرا.
۱۲. جوینی، عطا ملک بن محمد بهاء الدین. ۱۳۷۵، *تاریخ جهانگشا*، تصحیح محمد قزوینی، ج ۱، تهران، دنیای کتاب.
۱۳. حشمتی رضوی، فضل الله. ۱۳۸۷، *تاریخ فرش ایران*، تهران، سمت.
۱۴. حموی، یاقوت بن عبدالله. ۱۴۱۰ ه.ق، *معجم البلدان*، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۵. خزایی، محمد. ۱۳۸۱، *هزار نقش*، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
۱۶. سجادی، ضیاءالدین. ۱۳۳۸، *دیوان خاقانی شروانی*، تهران، زوار.
۱۷. سیوری، راجر. ۱۳۷۴، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
۱۸. سیمز، الینور. ۱۳۸۴، «تاریخ و هنر فرش بافی در ایران»، زیر نظر احسان یار شاطر، ترجمه ی. ر. لعلی خمسه، تهران، نیلوفر.
۱۹. شیرازی، عبدالله. ۱۳۳۸، *تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار*، ج ۴، تهران، رشدیه.
۲۰. طبری، محمد بن جریر. ۱۳۶۸، *تاریخ طبری (الرسال و الملوک)*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
۲۱. طالب پور، فریده. ۱۳۸۶، *تاریخ پارچه و نساجی در ایران*، تهران، دانشگاه الزهراء.
۲۲. فاخر، حسین. ۱۳۴۶، *فرش در اقتصاد و اجتماع ایران*، تهران، بهمن.
۲۳. فقیهی، علی اصغر. ۱۳۵۷، *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*، تهران، [بی‌جا].
۲۴. قبادیانی، ناصر خسرو. ۱۳۵۶، *سفرنامه*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، [بی‌جا].

۲۵. کونل، ارنست. ۱۳۶۸، *هنر اسلامی*، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، توس.
۲۶. گم‌نام. ۱۳۶۲، *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، طهوری.
۲۷. گیرشمن، رومن. ۱۳۷۲، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. ۱۳۷۴، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۹. مجابی، علی. ۱۳۸۱، *مقدمه‌ای بر تاریخ فرش دستباف ایران*، تهران، مرکز تحقیقات فرش دستباف ایران.
۳۰. همدانی، رشیدالدین فضل الله. ۱۳۶۲، *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، ج ۲، تهران، اقبال.
۳۱. یساولی، جواد. ۱۳۷۵، *مقدمه‌ای بر شناخت قالی ایران*، تهران، فرهنگسرا.

Archive of SID